

ماجرای خواندنی قتل " آلب ارسلان "

۱۲ دی ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۰۰

آلب ارسلان (به معنای شیر شرزه) پسر چغری بیگ و دومین حکمران سلجوقی ایران (پس از عمویش طغرل) ۱۵ دسامبر ۱۰۷۲ میلادی (۲۴ آذرماه) درگذشت و در مرو مدفون شد. وی پنج روز پیش از مرگ، در حضور جمع دستور اعدام "یوسف خوارزمی" فرمانده یک دژ نظامی (کوتوال) در ساحل آمودریا (رود جیحون) را داده بود که پس از یک مقاومت شدید دستگیر شده بود و او را برای تعیین تکلیف نزد آلب ارسلان آورده بودند.

آلب ارسلان (به معنای شیر شرزه) پسر چغری بیگ و دومین حکمران سلجوقی ایران (پس از عمویش طغرل) ۱۵ دسامبر ۱۰۷۲ میلادی (۲۴ آذرماه) درگذشت و در مرو مدفون شد. وی پنج روز پیش از مرگ، در حضور جمع دستور اعدام "یوسف خوارزمی" فرمانده یک دژ نظامی (کوتوال) در ساحل آمودریا (رود جیحون) را داده بود که پس از یک مقاومت شدید دستگیر شده بود و او را برای تعیین تکلیف نزد آلب ارسلان آورده بودند. یوسف که مرگ خود را نزدیک دید ناگهان خنجر برکشید (خنجر خودش و یا یکی از نگهبانان) و به سوی جایگاه آلب ارسلان حمله برد. آلب ارسلان که به تیراندازی خود اطمینان داشت نگهبانان را از مداخله منع کرد و تیر در کمان نهاد تا یوسف را بزند که با زیزاگ یوسف تیر خطا رفت و یوسف سینه آلب ارسلان ۴۳ ساله را با خنجر شکافت. آلب ارسلان که اسلام آورده و نام محمد بر خود گذارده بود تنها هشت سال حکومت کرد. از کارهای مهم او جنگ با دولت بیزانس (قسطنطنیه) در آناتولی است. وی بر سرزمینی از فرارود تا بین النهرین حکومت داشت. بیزانس در جنگ‌های صلیبی سپری شد. او به قصد گسترش اسلام به ارمنستان حمله کرد و بر آن سرزمین غالب شد. اما بعد از غلبه بر آن سرزمین در سال ۴۶۴ با حمله رومانوس دیوجانوس، امپراتور بیزانس مواجه شد. این جنگ با شکست بیزانسی‌ها و دستگیر شدن رومانوس دیوجانوس به پایان رسید. بعد از چهار روز جان سپرد. تاریخ نگاران چنین ذکر می‌کنند که آلب ارسلان قبل از مرگ چنین گفته است: "دیروز در روی تپه‌ای بودم و زمین را می‌نگریستم که زیر پای ارتشم به لرزه در می‌آمد. در این هنگام به خود گفتم حاکم این جهان منم، چه کسی است که می‌تواند با من مقابله کند. خداوند غرور من را دیده و جان من را بوسیله یک اسیر گرفت" پس از او پسرش ملکشاه زمام امور را به دست گرفت.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۹۱۳/ماجرای-آلب-ارسلان-قتل-خواندنی-ماجرای>